

یادداشت

برجام و ضرورت تعامل سازنده



کمال‌الدین پیرمودان  
نماینده ادوار مجلس

به رغم آنکه به تجربه ثابت شده که امید و اتکا بر قدرت‌هایی چون آمریکا و انگلستان، کاملاً بیهوده است، مگر به صورت مرحله‌ای و دوره‌ای و آن هم برای تأمین منافع اقتصادی و تجاری و رفع تحریم ظالمانه همچون برجام، لیکن با غایت به اینکه، هنر مدیران دول، در هزاره سوم، در عصر شتاب تاریخی، پل زدن بین ملل است بدان جهت تعامل سازنده با غرب به منظور به سرانجام رساندن برجام و افزایش ثروت ملی و جذب سرمایه‌گذاری‌ها و در نهایت به منظور ارتقای کیفیت زندگی ایرانیان و فراهم آوردن ظرفیت‌های عظیم شغلی برای بیکاران هموطن و حتی به نتیجه مفید رساندن ارتباطات اقتصادی ایران با چین و شوروی، بسیار ضرورت دارد. دولت‌ما از شر آمریکا و اروپا به چین و شوروی روی آورد. اگر روزی پرده از عملکرد چین و شوروی نسبت به ما برداشته شود، بر همه روشن خواهد شد که از قبل از انقلاب تاکنون چه منافعی چین و روسیه از روابط با ایران برده‌اند. در حالی‌نیز با تخفیف عملی ما را می‌خرند و بدون برجام به تعاملات اقتصادی عملی با ایران و سرمایه‌گذاری کلان در ایران زمین، به هیچ صورت تن نمی‌دهند و شوروی و چین، ایران ما را در عمل، البته همین‌طور می‌پسندند. اتکا به تعاملات بین‌المللی، بدون برجام رساندن برجام، ممکن نیست. اتکا به دول و ملل بزرگ و کوچک با توجه به اینکه همگی با طمع استفاده از امکانات و تحرکات اقتصادی تعیین‌کننده کشور خودشان، در آخرین تصمیم، قدرت‌های حاکمه روز، خاصه آمریکای جهان خوار را انتخاب می‌کنند، یا ناگزیر هستند به خاطر تحریم بین‌المللی ایران توسط آمریکا، آنرا انتخاب کنند. راه اتکا و امید به کمک و تعاملات اقتصادی بین‌المللی بدون برجام مسدود است. البته این حقیقت به معنای ترک فعالیت‌های سیاسی - دیپلماتیک نیست. امروزه روشن شده که قدرت ملل از کانال توانایی دولت‌ها به بسیج نیروهای مولد داخلی و تقویت بنیه دفاعی پیشرفته و برانگیختن شور و شوق و ایمان شهروندان به مشارکت تأثیرگذار در انتخابات‌ها و عرصه‌های حمایتی حاکمیت نیز به نفع و مایه و مبارزه در صحنه‌های دفاع و توسعه، گذر می‌کند. هرچه دولت‌ها در این راه موفق تر باشند، اقتصاد جامعه شوکفرازتر شده، مردم به حق سرنوشت خویش یعنی انتخابات، استقلال و سرفرازی ملک و میهن و ملت پایبندتر خواهند بود. میزان موفقیت حاکمیت و دولت‌ها، خود وفاق عمومی را افزایش داده و با حضور سرنوشت‌ساز ملت در پای صندوق‌های رأی و اعتمادهای متقابل حاکمیت و ملت، وفاق عمومی و سرمایه اجتماعی را افزایش داده و کشش‌ها و کینه‌توزی‌ها و تخریب و تضییع‌ها را کاسته و قدرت چانه‌زنی دولت و حاکمیت در تعاملات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی را افزایش می‌دهد. همه قدرت نظام و کیان و صندوق‌ها در حمایت گسترده ملت از آن نهفته است و ضرورت دارد با افزایش سرمایه اجتماعی نظام و کیان و فضاسازی به عموم ایرانیان در برخورداری از حقوق شهروندی مشروع و قانونی خود برابر مواد مفاد قانون اساسی میهن، قدرت چانه‌زنی و تعامل سازنده و عزت خواه صاحب منصبان با دول عالم را افزایش داد و با نیفتادن در دام تمامیت‌خواهان ارتقای کیفیت زندگی عموم شهروندان میهنی و تعالی ایران و ایرانی را رقم زد. با یگانه سلاح، رضایت حداکثری مردمی می‌توان در دستیابی به منافع ملک و ملت و به سرانجام رساندن برجام و پیگیری منافع نظام و کیان، در کنار نگاه به درون و در اولویت قرار دادن اقتصاد و اقتصاد ایرانی، موفق و پیروز میدان مسابقه برد - برد شد.

خبر

صبح زنگنه:

باپیروزی اوغلو، ارتباط ایران و ترکیه شرایط بهتری خواهد داشت

یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی، درباره انتخابات ترکیه و تغییرات کلان در این کشور اظهار داشت: درباره انتخابات ترکیه باید گفت که بسیار سخت است تصور اینکه بعد از این همه سال حکومت آقای اردوغان فرد دیگری بتواند بیاید و جای او را بگیرد. به هر حال بسیاری از رسانه‌ها، سازوکار انتخابات و حتی قوه قضائیه به نوعی وابسته به اردوغان کار می‌کنند. صباح زنگنه گفت: به هر حال آقای کمال اوغلو گرایش‌هایی مثبت نسبت به آمریکا دارد و با روی کار آمدن او ترکیه علاوه بر آنکه در ناتو باقی می‌ماند، حامی سیاست‌های ناتو در موضوع جنگ اوکراین می‌شود. کمال اوغلو تمایل هم خواهد داشت که ارتباطات خود را با کشورهای همسایه ترکیه بهبود بخشد و این موضوع یکی از شعارهای انتخاباتی او بوده است. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: آقای اردوغان در چند سال اخیر عملکرد خوبی از خود به جا نگذاشت؛ مشخصاً مردم ترکیه از تورم شدید و کاهش ارزش لیر به شدت در فشار هستند. علاوه بر این دولت اردوغان در مدیریت آثار زلزله ناتوان عمل کرد. اردوغان فشار شدیدی بر اقلیت‌های موجود در ترکیه هم وارد می‌کرد و به نوعی می‌کوشید سیاست سلطنت عثمانی را پی بگیرد. زنگنه در پایان درباره مناسبات ایران و ترکیه بعد از اردوغان تصریح کرد: ارتباط ایران و ترکیه همواره دارای یک کف و سقفی بوده است که هر کس در ترکیه روی کار بیاید این حداقل و حداکثر را رعایت می‌کند زیرا ترکیه نمی‌تواند با همسایه‌ای بزرگ به نام ایران ارتباط نداشته باشد، اما به هر حال اگر آقای کمال اوغلو روی کار بیاید، ارتباط دو جانبه ایران و ترکیه شرایط بهتری را خواهد داشت، اما از آن سو ارتباط ترکیه با آمریکا را هم گسترش می‌دهد که این موضوع مورد پسند ایران نیست.

محسن جلیوند در گفت و گو با «آرمان ملی»:

# دوران اردوغان در ترکیه تمام شده اما اردوغانیسم نه

اردوغان مصداق تئوری «مرد دیوانه» نیکسون بود

شرایط جامعه جهانی اجازه باز تولید دیکتاتوری را در ترکیه نمی‌دهد

آرمان ملی - احسان انصاری: با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ترکیه که روز یکشنبه در این کشور برگزار و نتایج آن به تدریج اعلام شد، مشخص شد هیچ یک از دو نامزد اصلی یعنی اردوغان و قلیچدار اوغلو نتوانسته‌اند بیش از ۵۰ درصد آرای لازم برای پیروزی در دور اول انتخابات را به دست بیاورند و به همین دلیل انتخابات در این کشور به دور دوم کشیده شد. فردی که در این بین انتخابات را به دور دوم کشانده است، در واقع نامزد سوم این انتخابات یعنی سینان اوغان است که با کسب حدود ۲۰.۵ درصد آرا مانع دستیابی اردوغان و قلیچدار اوغلو به پیروزی نهایی شده است و حالا افرادی که به او در دور اول رای داده‌اند نقش تأثیرگذاری در پیروزی نهایی انتخابات خواهند داشت. تصمیم او در مورد اینکه طرفدارانش در دور دوم از چه کسی حمایت خواهند کرد ممکن است تفاوت بزرگی ایجاد کند. او می‌گوید تا چند روز دیگر در این مورد تصمیم خواهد گرفت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی فضای انتخابات ریاست جمهوری در ترکیه با دکتر محسن جلیوند، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: «از ابتدای انتخابات ریاست جمهوری در ترکیه مشخص بود که شرایط مانند گذشته نیست و اردوغان با چالش‌های جدی برای ادامه حضور در قدرت مواجه است. با این وجود هنوز اتفاق خاصی در ترکیه رخ نداده و شرایط اردوغان و قلیچدار اوغلو به شکلی دوم بستگی خواهد داشت. اردوغان در سال‌های اخیر نظام پارلمانی ترکیه را به نظام ریاستی تبدیل کرده است. از سوی دیگر نسل جدیدی در ترکیه به وجود آمده که دغدغه‌های متفاوتی نسبت به نسل گذشته دارند و به همین دلیل من آینده ترکیه را بیشتر متمایل به سکولاریسم می‌بینم.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چه عواملی باعث شد انتخابات ریاست جمهوری ترکیه به دور دوم کشیده شود؟ آیا اردوغان پیش‌بینی چنین شرایطی را می‌کرد؟

از ابتدای انتخابات ریاست جمهوری در ترکیه مشخص بود که شرایط مانند گذشته نیست و اردوغان با چالش‌های جدی برای ادامه حضور در قدرت مواجه است. با این وجود هنوز اتفاق خاصی در ترکیه رخ نداده و شرایط اردوغان و قلیچدار اوغلو به شکلی است که همه چیز به وضعیت انتخابات در دور دوم بستگی خواهد داشت. اردوغان در سال‌های اخیر نظام پارلمانی ترکیه را به دیگر نسل جدیدی در ترکیه به وجود آمده که دغدغه‌های متفاوتی نسبت به نسل گذشته دارند و به همین دلیل من آینده ترکیه را بیشتر متمایل به سکولاریسم می‌بینم. اسلام‌گرایی از بیست سال پیش و از زمانی که اردوغان در این کشور قدرت را به دست گرفت به وجود آمد و تا امروز ادامه داشته است. در ترکیه مسدود است که جمهوری وجود دارد که یک پنجم این مدت را اردوغان به عنوان نخست وزیر و رئیس جمهور در قدرت بوده است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد بازبانی نقش ارتش در این کشور است. ترکیه در گذشته یک حکومت ارتش سالار بوده به دولت پادگانی معروف شده بود. این در حالی است که این کشور دومین ارتش بزرگ ناتو را در اختیار دارد. من معتقدم ارتش در آینده نیز نقش خود را ایفا خواهد کرد.

ارتش در آینده ترکیه چه نقشی ایفا خواهد کرد؟ به هر حال ارتش همواره نقش عنصر سلیمان‌دهنده در فضای سیاسی ترکیه را بر عهده داشته است. البته نقش ارتش در این کشور نسبت به گذشته که با کودتا کردن و اقدامات مشابه در فضای سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت کاهش پیدا کرده است. اردوغان در طول بیست سال گذشته ارتش را به شدت تضعیف کرد و نقش ایجاد موازنه در سیاست داخلی و

خارجی را از آن گرفت. به همین دلیل اگر سکولارها در آینده قدرت را به دست بگیرند نقش بیشتری به ارتش خواهند داد. نکته دیگر اینکه اردوغان در سیاست خارجی خود پاندومی مسلک است. نیکسون از تعبیر «مرد دیوانه» در فضای سیاسی صحبت می‌کرد که منظور وی رفتار پیش‌بینی ناپذیر یک رهبر سیاسی بود که مشخص نیست چه رفتاری را از خود بروز خواهد داد. اردوغان دارای چنین ویژگی‌هایی بود و رفتارها و اقدامات وی غیر قابل پیش‌بینی بود. به عنوان مثال وی هواپیمای روسیه را سرنگون می‌کرد اما پس از مدتی از روسیه و پوتین عذرخواهی می‌کرد. مثال دیگر اقدام وی درباره رود ارس و رابطه ایران و آذربایجان بود که از یک طرف در لب مرز ایران سرخواری می‌کرد که ارس در ایران جدا شده و از سوی دیگر در پرورنده هسته‌های همراه ایران بود و بارخی کشورها در این زمینه رازیونی و گفت‌وگو می‌کرد. در سال‌های اخیر پاندومی مسلکی نیز در سیاست خارجی اردوغان کم‌رنگ‌تر شده بود. شرایط به شکلی بود که برخی از دوستان داخلی اردوغان نیز از وی جدا شدند. در انتلاف شش‌گانه که در مخالفت با اردوغان شکل گرفته نیز حداقل دو گروه مانند داود اوغلو اسلام‌گرا و از دوستان دیروز اردوغان هستند. این وضعیت نشان می‌دهد که دوران اردغان در ترکیه تمام شده اما دوران اردوغانیسم تمام نشده است.

نسل جدیدی چه نگاهی به قدرت در ترکیه دارد و چه دغدغه‌هایی را دنبال می‌کند؟

در حدود ۵ میلیون نفر رای اولی بودند که در انتخابات مشارکت کردند. نسل جدید از زمانی که متولد شده‌اند تنها دوران اردوغان را تجربه کرده‌اند. این سخن به معنای این است که اگر فردی در ترکیه ۱۸ سال سن دارد و برای اولین بار رأی می‌دهد به دلیل اینکه در بیست سال گذشته قدرت در اختیار اردوغان قرار داشته حکومت فرد دیگری را به چشم ندیده است. به همین دلیل نمی‌داند که قبل از اردوغان چه اتفاقی در ترکیه رخ داده است. این عوامل باعث شده که اردوغان دیگر کارایی و محبوبیت خود را در ترکیه از دست بدهد. ترکیه ۸۲.۵ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد که ۲۵ هزار کیلومتر مربع آن در اروپا و بقیه آن در آسیا قرار دارد. پایگاه اصلی اردوغان شهرهایی مانند استانبول و امیر که اروپایی هستند نیست و بلکه پایگاه اصلی وی در درون ترکیه و بخش‌های آسیایی آن است. اینکه ما بخواهیم بانگاه به وضعیت انتخاباتی استانبول و امیر وضعیت کلی ترکیه را تحلیل کنیم صحیح نیست و باید کل کشور ترکیه را در نظر گرفت. البته شهرهایی مانند استانبول به فضای انتخابات موازنه می‌دهد. حتی اردوغان نیز در این زمینه گفته است که هر گندببایی که در استانبول بیشترین رأی را به دست بیاورد در نهایت در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه پیروز خواهد شد. پایگاه اصلی اردوغان بخش آسیایی ترکیه است. این در حالی است که در سال‌های اخیر وضعیت پایگاه سنتی اردوغان نیز به دلایل مختلف دستخوش تغییر شده است.

برخی کارشناسان بر این باور هستند که اردوغان به راحتی حاضر نیست قدرت را در ترکیه به رقیب خود واگذار کند. به چه میزان این احتمال وجود دارد که اردوغان در صورت شکست در دور دوم انتخابات دست به اقداماتی بزند که فضا را ملتهب کند؟

من فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی در انتخابات ترکیه رخ بدهد. حتی اگر اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری شکست هم بخورد حامیان وی در انتخابات پارلمانی به پیروزی رسیده‌اند و وی همچنان می‌تواند در فضای سیاسی ترکیه تأثیرگذار باشد. این وضعیت در شرایطی است که اگر قلیچدار اوغلو نیز در انتخابات به پیروزی برسد و قصد داشته باشد ترکیه را به نظام پارلمانی بازگرداند باز هم به سود اردوغان خواهد بود. از سوی دیگر سن و سال و وضعیت جسمی اردوغان نیز به شکلی نیست که وی به دنبال یک مبارزه سنگین سیاسی با رقیب خود شود و باز تولید دیکتاتوری کند. من چنین وضعیتی را در آینده سیاسی ترکیه مشاهده نمی‌کنم. از سوی دیگر شرایط جامعه جهانی نیز چنین اجازه‌ای را به وی نخواهد داد.

تفاوت ترکیه با رهبری اردوغان و رهبری قلیچدار اوغلو برای ایران چه خواهد بود؟ هر کدام از این دو رقیب سیاسی در آینده چه رویکردی نسبت به ایران خواهند داشت؟

برنارد لوئیس عنوان می‌کرد که رویارویی اصلی در خاورمیانه در آینده بین ایران و ترکیه خواهد بود. من فکر می‌کنم هر کسی در ترکیه به قدرت برسد رقابت‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه ادامه پیدا خواهد کرد. با این وجود اگر قلیچدار اوغلو در ترکیه به قدرت برسد به دلیل اینکه گرایش به غرب دارد و به دنبال حضور ترکیه در اتحادیه اروپا خواهد بود تا حدودی از سیاست نועثمانی‌گری اردوغان فاصله خواهد گرفت. همین موضوع نیز باعث خواهد شد که با ایران بر سر مسائل اختلاف نظر پیدا کند. ایران و ترکیه به عنوان رقبای سنتی به کار خود ادامه می‌دهند و همکاری‌های این دو کشور نیز ادامه پیدا می‌کند. با این وجود میزان همکاری‌ها در صورتی که قلیچدار اوغلو به قدرت برسد مانند زمان اردوغان نیست و احتمالاً کاهش پیدا می‌کند. اردوغان در مورد ایران سیاست خارجی منسجمی نداشت. گاهی با ایران رابطه خوبی داشت و در برخی مقاطع رابطه بین این دو کشور سرد بود. به نظر می‌رسد ترکیه در آینده به سمت سکولاریسم حرکت خواهد کرد و کاری که اردوغان کرد نیز نتوانست با پای‌های سکولاریسم که آتاتورک در این کشور بنا نهاد را از بین ببرد.

در ترکیه صد سال است که جمهوری وجود دارد که یک پنجم این مدت را اردوغان به عنوان نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور در قدرت بوده است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد بازبانی نقش ارتش در این کشور است. ترکیه در گذشته یک حکومت ارتش سالار بود و به دولت پادگانی معروف شده بود. این در حالی است که این کشور دومین ارتش بزرگ ناتو را در اختیار دارد. من معتقدم ارتش در آینده نیز نقش خود را ایفا خواهد کرد.



نگره

نقد امیرعلی ابوالفتح بر تحلیل نویسندگان نشریه فارن افرز:

توافق منطقه‌ای به جای برجام واقع بینانه نیست

اخیراً دو تن از کارشناسان حوزه سیاست خارجی و مسائل بین‌الملل در مقاله‌ای مشترک در نشریه فارن افرز، پیشنهادی تازه مطرح کرده‌اند با محوریت دستیابی به یک توافق منطقه‌ای و جایگزینی آن با برجام. استدلال اصلی و اولیه آنها نیز این بوده که برجام دیگر از امکان احیای برخورداری نیست و بهتر است که روند تنش‌زدایی منطقه‌ای که با امضای توافق احیای روابط ایران و عربستان آغاز شده، به یک توافق گسترده‌تر منطقه‌ای در خاورمیانه ختم شود. توافقی که می‌تواند جایگزین توافق برجام شود.

پیشنهادی که نه منطقی است نه واقع بینانه

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص امکان احیای نسخه اولیه توافق برجام که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید، اظهار داشت: بستگی دارد که از چه منظره‌ای به این موضوع بنگریم. اگر از نظر فیزیکال و کسمی به ماجرانگانه کنیم، امکان بازگشت به دوره زمانی قبل از ۸ می‌سال ۲۰۱۸ برای ایران وجود دارد. بر اساس متر و ملاک‌های نسخه اصلی و اولیه توافق برجام که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید، می‌شود بار دیگر به توافق مذکور بازگشت و شاهد بازگشت محدودیت‌ها به برنمه‌اتمی ایران و در عین حال انتفاع تهران از برخی مزایای اقتصادی بود. امیرعلی ابوالفتح گفت: با این حال، مشکل اصلی این است که اساساً آمریکایی‌ها بازگشت فیزیکی و کسمی و متناهیستی (ذهنی) مطرح می‌سازند. آنها معتقدند که وقتی ایران غنی‌سازی خود را با استفاده از سانتریفیوژهای IR۶ و IR۸ انجام داده، حتی اگر این سانتریفیوژها را جمع‌آوری کند، باز هم دانش این مساله را دارد و اساساً این دانش قبل از سال ۲۰۱۸ وجود نداشته است. وی افزود: این طیف‌بر این باورند که ایران به واسطه پیشرفت‌های اتمی قابل توجه خود حتی در صورت احیای برجام، اگر بار دیگر مشکلی در مسیر اجرای توافق پیش‌آید از امکانات فراوانی برخوردار است تا پیشرفت‌های جدید اتمی برای خود تعریف کند. این کارشناس حوزه سیاست خارجی خاطرنشان کرد: در عین حال توجه داشته باشیم که سانتریفیوژهای نسل جدیدی را که ایران ساخته، آمریکایی‌ها معتقدند که کل باید نابود شود. اما ایران می‌گوید که آنها را می‌پلمب می‌کند و در انبار می‌گذارد. با این همه، حتی اگر این سانتریفیوژها نابود هم شوند، همان طور که پیشتر گفته‌ام، مساله اصلی این است که ایران تجربیات مربوط به تولید و استفاده از آنها را آموخته است و مشکل اصلی غرب و به طور خاص آمریکا با ایران نیز بر سر همین موضوع است. با این همه، باید توجه داشته باشیم که اساساً بحث آمریکا در شرایط کنونی، صرفاً برجامی که در سال ۲۰۱۵ امضا شد هم نیست. ابوالفتح افزود: آنها به برجام مشکلی، منطقه‌ای، پهنادی و حتی فاصله گرفتن ایران از روسیه و چین نیز به‌نحو جدی نمی‌کنند. حتی در این فضا، حتی اگر ایران در قالب معادله تعجب خود همان اقداماتی را انجام دهد که مطلوب طرف آمریکایی است، باز هم واکنشکن راضی نخواهد شد. زیرا همان طور که پیش‌تر نیز گفته‌ام، آنها برجام‌های متعددی را از ایران می‌خواهند. من پیشنهاد می‌کنم که نویسندگان مقاله اخیر در نشریه فارین افرز، که بحث یک توافق منطقه‌ای با ایران و تسری دادن این توافق به مساله هسته‌ای تهران را مطرح می‌سازند، نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبی‌تفاوت نبی‌توجه هستند. حتی در سال ۲۰۱۵ باید توجه داشته باشیم که ایران از غنی‌سازی ۲۰ درصدی، بر اساس برجام، به غنی‌سازی ۶۷.۳ درصدی رسید. این کارشناس مسائل بین‌الملل تأکید کرد: به نظر من پیشنهاد تازه‌ای که در جهت دستیابی به توافق جدید با ایران با استفاده از مکانیسم‌های منطقه‌ای مطرح شده، فاقد زباید تحلیلگر ایانه است. ما زمانی می‌توانیم از لغو تحریم‌ها علیه کشورمان سخن بگویم که تحریم‌های جهانی لغو شوند. حجم قابل توجهی از منابع مالی و پول‌های ایران در بانک‌های خارجی، و به واسطه مثلاً دستیابی به یک توافق با کشورهای منطقه، آزاد نخواهد شد و مشکلی را از ایران حل نمی‌کند. در این راستا، من اساساً پیشنهادی که در قالب یک مقاله در نشریه فارین افرز مطرح شده را واقع بینانه نمی‌بینم.

مشکلات را از غرب حل کنیم نه منطقه

یک کارشناس سیاست خارجی نیز در ارتباط با شناس احیای نسخه اولیه توافق برجام که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید، گفت: من هم معتقد هستم که اساساً احیای توافق برجام آن هم در قالب توافقی که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید، چندان میسر نیست و اساساً صحبت کردن از آن غیرواقع بینانه است. حتی صریح‌تر بگویم که نسخه سال ۲۰۱۵ برجام را تا حد زیادی باید مرده دانست. دلیل آن هم روشن است: زیرا هیچ‌کدام از شرایط توافق سال ۲۰۱۵ فراهم نیست. از یک سو، ایران در پاسخ به بدعوه‌های اروپا و آمریکا پایش را چند برابر از تعهدات خود فراتر گذاشته و از طرف دیگر، طرف‌های غربی و به ویژه آمریکا نیز درخواست‌های به مراتب گسترده‌تری را از ایران دارند و صرفاً به مساله هسته‌ای تهران قانع نیستند. جلال خوش‌چهره اظهار کرد: به بیان ساده‌تر، نه انتظارات در دوره زمانی سال ۲۰۱۵ قرار دارد و نه از حیث کمی، کیفی، شاهد شرایط آن دوران هستیم. از این رو، من هم چندان معتقد نیستم که توافق سال ۲۰۱۵ امکان احیا داشته باشد یا حداقل تحقق این گزاره را بسیار بعید می‌دانم. این کارشناس حوزه روابط بین‌الملل گفت: چشم‌انداز کلی اساساً درست نیست که ما از یک توافق در سطح جهانی خارج شویم و وارد یک توافق در سطح منطقه‌ای شویم. این نوعی سرفست است که به ضرر ایران است.